



سانحه و ۵ کشته و زخمی

برخورد یکدستگاه خودروی پراید با عقب کمبریسی حامل شن ۵ کشته و زخمی برجای گذاشت. این حادثه ساعت ۱۳:۳۸ به مرکز ۱۲۵ اعلام شد و بلافاصله گروه نجات به محل وقوع آن در بلوار شهدا بعد از پارک زرون اعزام شد. کشته شدگان حادثه سه زن و یک دختر بچه ۴ ساله بودند که بر اثر شدت جراحات در دم جان باختند. تنها بازمانده سانحه یک پسر بچه ۱۰ ساله بود که علاوه بر زخمی شدن، مابین صندلی



باتشکر از سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی بندرعباس

مدتها بود با هم رفاقتی دیرینه داشتیم از سالهایی که به هنرستان رفته بودم او را می شناختم دختری متین، مهربان و درس خوان بود. ظاهری آرام و خوددار و بسیار خجالتی داشت و این خصوصیاتش خیلی هارا بسویوش جذب می کرد همه بچه ها می خواستند شبهای امتحان را با او بگذرانند تا شاید چند نمره بیشتر کسب نموده و قبول شوند و زهرا با تواضع و مهربانی قبول می کرد اما هیچگاه اجازه نمی داد کسی به خانه اش برود و اگر شبها تا دیروقت با دوستانش در خانه های آنان درس می خواند بازهم اجازه نمی داد تا دم در منزلشان همراهی اش کنند همه این اخلاق عجیبش را به پای مهربانی و تواضع بیش از حد او می گذاشتند و زهرا هیچ وقت از کمک و یاری رساندن به دوستانش دریغ نمی کرد و این باعث می شد همه برای دوستی با او پیشقدم شوند.

درمیان اولیا مدرسه هم طرفدار زیاد داشت خانم ناظم که با دیدنش زهره بچه ها خصوصا آنهایی که فرم مدرسه نمی پوشیدند آب می شد هم زهرا را دوست داشت و اگر بگویی او را درحیاط میان بچه ها نمی دید سرعاش را می گرفت، سایر دبیران هم به همین وضع او را دوست داشته و برایش احترام قائل بودند.

سه سال دوران هنرستان را به خوبی و شادی سپری کرده و در رقابتی سخت و نفسگیر چند نفر از شاگردان کلاس که جزو بهترینها بودیم در یکی از بهترین رشته ها قبول شدیم و از اول سال تحصیلی به دانشگاه قدم گذاشتیم بسیار خوشحال و خرسند بودیم که بالاخره توانستیم به آرزوی دیرینه خود جامه عمل بپوشانیم و این مهم برای ما و خانواده هایمان خیلی مهم بود قرار گذاشتیم یک میهمانی بگیریم و خانواده هایمان هم در آن شرکت کنند همه قبول کردند الا زهرا و برای در رفتن از میهمانی بسیار بهانه آورد و بالاخره هم شرکت نکرد و فردای روز میهمانی بچه ها با آب و تاب فراوان شرح میهمانی را برایش گفتند و او در پایان فقط قطره اشکی از چشمانش سرازیر شد که فقط و فقط من دیدم وبس. دوستی مان روز به روز

تصمیم گرفته بودم هر طور شده

این بار از راز چندین و چندساله او

سردر بیابورم

تصمیم گرفتم خیلی دوستانه باهاش حرف

بزنم و اوتمام حرفهایم را شنید و بازهم یک

قطره اشک از چشمانش سرازیر شد و رفت

بدون خداحافظی و اینگونه رفتنش بسیار

نگرانم کرد

محکمتر می شد و به هم نزدیکتر. هر بار که سعی می کردم منزلش را یاد بگیرم ویا از خانواده اش اطلاعی کسب نمایم طفره می رفت بطوریکه بالاخره فهمیدم اوضاعی نیست هیچکس از خانواده و زندگیش مطلع شود.

دوره چهارساله دانشگاه را بهنت سرگذاشتیم و بالاخره با مدرک لیسانس فارغ التحصیل شدیم حالا هر دو خانم مهندس بودیم و بسیار باسواد و خوشحال از این موفقیت بازهم قوتراشد میهمانی بگیریم و خانواده هایمان هم باشند که زهرا دوباره بهانه آورد اما این بار وضع فرق می کرد و او نمی توانست بهانه ای بیابد تصمیم گرفته بودم هر طور شده این بار از راز

گران بدست می آید خوشبختی ...

فرزانه مسلم زاده



مطلع شود چرا که می ترسیدم مورد استهزا و تمسخر دوستانم قرار بگیرم با سختی فراوان درس خواندم و زندگی کردم به امید آینده ای روشن و زیبا و فراهم کردن تمام امکانات زندگی برای مادر پیر و بیمارم و امروز برای اولین بار راز زندگیم را برای تو که بهترین دوست وهمدم هستی فاش می کنم اما دلم نمی خواهد هیچکس جز تو و خانواده ات از این راز باخبر شود و من به او قول دادم که همچنان در سینه ام حفظش کنم و دوستی مان پایرجاتر از همیشه باشد. امروز من زهرا هر دو در یک شرکت بزرگ مهندسی مشغول بکار هستیم و هر دو در شرف ازدواج، زهرا با پسری از همکارانش قرار ازدواج گذاشته و هر دو بسیار عاشقانه به هم علاقه مند هستند و در تدارک برنامه های ازدواجشان و همیشه با خود می گویم این ازدواج مزه تمامی سختی های زندگی زهرا و مادرش است و امیدوارم زهرا و تمام زهره های این شهر خوشبخت و موفق باشند.

را باز کردم و در کمال ناباوری زهرا را دیدم و همراه با خانم مستنی که در صندلی چرخدار نشسته بود و لیخندی بر لب داشت سلامی کردم و زهرا را در آغوش گرفتم پرسید می توانیم بیاییم تو ومن ناباورانه گفتم بفرمایید خواهش می کنم، زهرا باسختی صندلی چرخدار را حرکت داد و به داخل سالن پذیرایی آورد و مادر با گرمی و مهربانی از آنها استقبال کرد و من همچنان منتظر بودم زهرا دلیل قهر یک هفته ای خودرا بازگو کند و بگوید چرا مرا تنها گذاشته است. بعد از چند دقیقه زهرا گفت: می خواهم حرفی بزنم و جواب تمام سوالات چندین ساله ات را یکجا بدهم این خانم اشاره به خانم صندلی نشین کرد و گفت مادرم است که سالها پیش مجنون شده و اینک پاهایش هم توان حرکت ندارد و در صندلی چرخدار نشسته است و من همیشه در تمام این سالها پرستار و همدمش بوده ام.

پدرم وقتی نوجوان بودم عاشق زنی بسیار جوانتر از مادرم

چندین و چندساله او سردر بیابورم و بدانه چه چیزی اینقدر او را آزار می دهد که نمی خواهد هیچکس حتی من که دوست صمیمی و نزدیکش هستم از زندگیش مطلع شوم. به همین خاطر تصمیم گرفتم خیلی دوستانه باهاش حرف بزنم و اتمام حرفهایم را شنیدم و بازهم یک قطره اشک از چشمانش سرازیر شد و رفت بدون خداحافظی و اینگونه رفتنش بسیار نگرانم کرد، خیلی همدیگر را دوست داشتیم و ناسلامتی سالها دوست بودیم تا یک هفته ازش خبری نبود و بسیار نگرانم بودم و خودم را مقصر می دانستم که چرا سعی کردم با کنجکاری بیش از حد دوستم را برانجام و ناراحتش نمایم اما دیگر کاری نمی شد کرد و اتفاقی بود که رخ داده و من بسیار نگران بودم.

بعداز یک هفته یک روز عصر در اتاقم نشسته بودم و داشتم یک رمان جذاب تاریخی می خواندم که رنگ خانه بصدا درآمد و بعداز نواقیی مادر صدایم کرد که بامن کار دارند در حیاط

طراح: عباس بشیری زاده تختی

۹۷۱

جدول

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

- ۱- قسمت اول رمز جدول
- ۲- تله - نشانه - از نزولات آسمانی - مردم
- ۳- جای پا - دولتها - وسیله دفاعی بعضی
- ۴- از حیوانات - از استفاده های کامپیوتر
- ۵- بیماری رایج کودکان - هرگز به منزل نمی رسد - آرزوها
- ۶- گلی زیبا - از انواع مدل ماشین - مامور- خسته ندارد
- ۷- سوره زنان - از انواع ساعتها - درخت همیشه سبز ۸ - در دست داور است - وارنینگ - رود معروف
- ۹- جوان - شکننده اما برعکس - غضب
- ۱۰- کشفده ی بی صدا - گیاهی خوشبو - بخشش - آب دهان
- ۱۱- خیتی در هم - رفیق معشوق - نژاد ایرانیان
- ۱۲- از رنگها - حیوانی اهلی - از شناورها
- ۱۳- یازده - خانه - کلمه هشدار - از مرتجعین
- ۱۴- صندلی راحتی - دست گرفتن - دروغ- از کلمات پرسشی
- ۱۵- قسمت دوم رمز جدول

عمودی

- ۱- پدر پدر - از رموز موقعیت
- ۲- خاطره - گلی رمز رنگ - شراب - مادر باران
- ۳- مادر - خوب نیست - امر به نوشیدن - به خارجی - برلمان شدن
- ۴- از دبیرستان های سطح شهر بندرعباس

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم مرضیه مرشدی فرزند علی به موجب دو فقره استثنادهیه محلی شده است که سند مالکیت پلاک ۲۲۴۵ فرعی از اصلی که تحت عنوان ششدانگ یک بابخانه مسکونی به مساحت ۴۴۶ متر مربع واقع در بالا شهر دهبارز رودان (بخش ۳) - بندرعباس که در صفحه ۱۳۳ دفتر ۳۱ محلی ذیل به شمار ۴۹۳۳ ثبت و سند مالکیت به شمار سریال ۲۶۰۳۶ ۲۱۵ الف صادر و تسلیم گردیده است ، به علت جایجایی اثاثیه منزل مفقود گردیده است نامبرده تقاضای صدور سند مالکیت المثنی پلاک فوق برابر ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت و تصرحه های ذیل آن نموده است . لذا در اجرای ماده مذکور اعلام می گردد چنانچه هر کس مدعی انجام معامله یا سند مالکیت نزد او می باشد بایستی از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز اعتراض خود را به اداره ثبت رودان تسلیم و رسید اخذ نماید ، در صورت عدم اعتراض و عدم ارائه سند ملکیت اداره ثبت اسناد و املاک رودان مطابق ماده ۱۲۰ آئین نامه مذبور به صدور سند مالکیت المثنی به نام خود متقاضی اقدام خواهد نمود .

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۱۲/۱۲-۱۳/۱۱/۱۱م

اسماعیل ربیعی نژاد-سرپرست ثبت اسناد و املاک شهر ستان رودان

**آگهی فوت فرضی-نوبت دوم**  
درپرونده ۸۸۰۹۹۸۷۶۱۰۰۰۰۰۰۸۸ شعبه پنجم دادگاه عمومی بندرعباس خانم بتول بحرینی پور فرزند قاسم به نشانی کرمان ، چهار راه خجسته کوچه مجاهد درب دوم سمت چپ دادخواستی مبنی بر فوت فرضی به طر فیت ۱ - دادستان داسرای بندرعباس ۲ - آقای علیرضا ایرانمنش فرزند عباس به نشانی مجهول امکان ارائه نموده و توضیح داده ؛ که خوانده ردیف دوم از تاریخ ۷۷/۸۰/۱۸ مفقود گردیده و هیچ خبری از وی ندارد علیهذا بدستور دادگاه به تجویز ماده ۱۰۲۲ قانون مدنی در سه نوبت متوالی با درج آگهی در جراید محلی و یکی از روزنامه های اکثر انتشار تهران هر کدام به فاصله یکماه از کسانیکه ممکن است از غایب آقای علیرضا ایرانمنش خبری داشته باشند دعوت به عمل می آید که به اطلاع دادگاه برسانند بدیهی است پس از گذشت یکسال از اولین آگهی و عدم وصول اطلاعی از حیات خوانده حکم فوت فرضی او توسط دادگاه صادر می گردد.

دادرس دفتر شعبه پنجم دادگاه عمومی بندر عباس

**آگهی فوت فرضی-نوبت دوم**  
به حکایت محتویات پرونده ۸۸۰۹۹۸۷۶۱۰۷۰۰۲۶۶ در این شعبه دادگاه تحت رسیدگی می باشد اعلام گردیده متوفی فوت فرضی رضا رضوانی فرزند علی از تاریخ ۱۳۷۶/۹/۵ غایب و ناپدید شده و هیچگونه خبری از نامبرده در دست نیست لذا بدین وسیله ضمن اعلام مراتب از کلیه کسانی که خبری از غایب یاد شده دارند دعوت می شود اطلاعات خود را به نحو مقتضی در اختیار این دادگاه قرار دهند تا حقی از کسی توضیح نگردد. این آگهی سه نوبت متوالی هر یک به فاصله یک ماه در اجرای ماده ۱۰۲۲ قانون مدنی در امور مدنی منتشر می گردد بدیهی است چنانچه یک سال از تاریخ اولین اعلان ( نشر آگهی ) حیات غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او صادر خواهد شد.

منشی شعبه هفتم دادگاه حقوقی دادگستری شهرستان بندر عباس، منصور اسماعیلی

**آگهی مزایده اموال غیر منقول**  
ششدانگ یکبابخانه و مجتمع ورزشی به مساحت ۲۵۲۰ متر مربع پلاک ۳/۲۶- اصلی واقع در بخش دو بندرعباس کصفه ۸۱ و ۸۸ و ۸۷ و ۸۶ و ۳۲۷ و ۳۳۰ سند صادر گردیده به آدرس گلشهر بندرعباس خیابان دانشگاه-به حدود اربعه شمالا اول بطول ۴۷ متر دیوار به دیوار پلاک ۲۷ فرعی از سه اصلی شرقا به طول ۶۰ متر دیوار به دیوار پلاک ۲۸ فرعی از سه اصلی جنوبا بطول ۴۷ متر دیواری است بر زمینی پلاک ۲۵ فرعی از سه اصلی غربا بطول ۶۰ متر درب و دیواری است به پیاده رو بلوار دانشگاه بنام عشرت مسعودی و رحیم پیامی پور و خانم شیمیا پیامی پور هر کدام به نسبت دو دانگ سند مالکیت بشماره های ۲۲۹۸۱۶ و ۲۲۹۸۱۷ و ۲۲۹۸۱۸ سند صادر گردیده است که به موجب سند رفنی شماره ۴۷۴- ۸۹/۱۰/۲۷ دفتر ۵۱ بندرعباس در رهن بانک ملی شعبه ملی گاز هرمزگان قرار دارد که بعلت عدم پرداخت بدهی منجر به صدور اجرائیه کلاسه ۸۷-۳۳۲۳ گردیده و طبق تقاضای بستانکار پرونده و برابر صورتجلسه ۸۸/۱۰/۲۶ مامور اجرا و نظریه کارشناس رسمی دادگستری ملک بصورت سه دو دانگ جمعا ششدانگ می باشد و دارای کاربری ورزشی که قسمتی از آن بصورت تجاری در آمده با مبلغ ۲۵/۳۸۰۰۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده که مزایده ششدانگ قطعه پلاک مذکور در روز دو شنبه مورخ ۸۹/۱۰/۲۴ در اداره ثبت اسناد و املاک بندرعباس از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر از طریق مزایده به فروش میرسد و مزایده از مبلغ بیست و پنج میلیارد و هشتاد میلیون ریال شروع به بالاترین قیمتی که خریدار داشته باشد فروخته خواهد شد و حق حراج و بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و آب و برق و تلفن و سایر هزینه های قانونی دیگر بعهده خریدار خواهد بود .

تاریخ انتشار: ۸۸/۱۲/۱۷

علی محمودی-رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان بندر عباس

**زیبایی های طبیعت هنر خالق طبیعت و حفظ این زیبایی ها هنر استفاده کنندگان آن**

سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری بندر عباس

**خیابان کلاسیک**  
دوخت البسه مردانه

تجهیزات: ۴۴۴  
سیستم حساب خلیج فارسی  
انجام امور حسابداری

تلفن: ۴۳۳۰۰۰۰

**موبایل برتر**

بند ریاضی، باز و بسته شدن، تعمیر، حمله ای، بازی، شمع، چغندر، نقل، کلمه، به صنعت، خرید، کوچه، ضلع

بندر عباس: فلکه برق، جنب بیمارستان زینب، کوچه پارسا، اطراف صالحی

**موبایل برتر**

بند ریاضی، باز و بسته شدن، تعمیر، حمله ای، بازی، شمع، چغندر، نقل، کلمه، به صنعت، خرید، کوچه، ضلع

بندر عباس: فلکه برق، جنب بیمارستان زینب، کوچه پارسا، اطراف صالحی